

بخش‌هایی از بیانات آیات عظام سبحانی، شبیری زنجانی و آیت‌الله استادی در دیدار اعضای کنگره بزرگداشت آیت‌الله العظمی میلانی



مرجعیت اعتدالگرا

آیت‌الله میلانی در حالی وارد مشهد شدند که اهالی آنجا (اشاره به جریان غالب حوزه مشهد) رویکرد متفاوتی نسبت به مباحث عقلی داشتند؛ اما هنر ایشان این بود که یک عمر با همان افراد و در همان فضا زندگی کردند و مدیریت نمودند. در آن دوران فضا به گونه‌ای بود که برخی می‌گفتند اصلاً نباید نام ملاصدرا را برد. مرحوم آقای حلبی (شیخ محمود) خدا رحمتشان کند. در تهران منبر می‌رفتند و با آب‌وتاب خاص علیه ملاصدرا سخن می‌گفتند. حتی در کلاس‌هایی که تحت عنوان «اخلاق توحیدی» برگزار می‌شد، با اینکه نام از اخلاق و توحید بود، اما برای ملاصدرا هیچ جایگاهی قائل نبودند و نهایتاً شاید فقط نامی از او، آن هم نه به نیکی برده می‌شد. اما در مقابل این افراط و تفریط‌ها، [آیت‌الله میلانی] شخصیتی [است] که مشی اعتدالی دارد، هر دو جنبه را در نظر می‌گیرد. آیت‌الله میلانی چنین بودند؛ در مقطعی مباحث فلسفی را دنبال می‌کردند و در مقطعی دیگر شاید مصلحت را در چیز دیگری می‌دیدند، اما همواره انصاف داشتند.

اگر بخواهیم نگاهی اجمالی به جنبه‌های سیاسی زندگی ایشان داشته باشیم، باید گفت که متأسفانه روند قضاوت‌ها سیر نزولی داشت؛ به گونه‌ای که هرچه در ابتدا در وصف ایشان سخنان نیکو گفته می‌شد، به تدریج جای خود را به مباحث نامناسب و حتی بدگویی‌ها داد. طبیعت رخدادهای اجتماعی چنین است که ممکن است در لحظه وقوع، غبار هیجانات مانع دیدن حقیقت شود، اما پس از گذشت پنج یا ده سال، سرانجام زمان تأمل فرا می‌رسد و این پرسش مطرح می‌شود که واقعا چه اتفاقی افتاد؟ چگونه ممکن است شخصیتی با آن سابق و لواحق، ناگهان این گونه مورد بی‌مهری قرار گیرد؟ از سوی دیگر، منشی ایشان نیز به گونه‌ای نبود که بخواهد هر روز در مقام پاسخگوی برآیند، توضیح دهند یا عذرخواهی کنند. از نظر سیاسی نیز ایشان با سعه صدر با افراد مختلف آن زمان مراوده زیادی داشتند؛ یعنی تقریباً با گروه‌های [روشنفکر، ملی] و امثالهم در ارتباط بودند.



یک وجود با برکت

آنچه عرض می‌شود نمونه‌ای از بیانات و خاطرات نقل شده درباره شخصیت والای آیت‌الله میلانی است که اجمالی از شأن معنوی و کرامت ایشان را به تصویر می‌کشد. مرحوم آقای حائری نقل می‌فرمودند: «بنده زمانی در حالتی میان خواب و بیداری شنیدم که به من گفته شد: شما مسافرت مشهد را برعهده بگیرید و آسوده‌خاطر باشید که هزینه زندگی شما نیز از سوی آقا تأمین خواهد شد... [مصادف با همان زمان و پس از رحلت آیت‌الله حجت، پدر همسر من] یک جلد کتاب ارزشمند «وسائل الشیعه» که به خطی نفیس بود، به عنوان سهم الارث نصیب عیال بنده شد. ما به مشهد مشرف شدیم و آن کتاب خطی را به کتابخانه آستان قدس رضوی به مبلغ هزار و پانصد تومان فروختیم [و من خرج سفر را از خانم قرض گرفتم]. در تمام این مدت، بنده منتظر بودم که از جانب آقا خبری یا نشانه‌ای برسد که وعده تأمین هزینه من محقق شود، ولی ظاهراً خبری نشد. هنگامی که قصد بازگشت داشتیم، در دلم گلابه و اعتراضی شکل گرفت که آیا سزاوار است که ما به دستور ایشان عمل کنیم، اما عملاً هیچ خبری نباشد و عنایتی شامل حال ما نگردد؟ در آن ایام، آقا سید حسن، فرزند مرحوم حاج سیدصدرالدین جزایری، کسالت داشت و در منزل آیت‌الله میلانی بود. ما به قصد عیادت از ایشان و کسب اطلاع از احوالشان جهت مخابره خبر به پدرشان در تهران، به منزل آیت‌الله میلانی رفتیم. وقتی رسیدیم، آقا زاده آقای میلانی اصرار کردند و گفتند: [یمانید تا ناهار را در خدمتتان باشیم]. گفتیم: امکانش نیست؛ باید برویم، زیرا قطار حرکت می‌کند و زمان تنگ است. سرانجام، آقا زاده آقای میلانی ما را تا ایستگاه راه‌آهن بدرقه کردند. در کوی قطار نشسته بودیم که دیدیم ایشان وارد شد، کنار ما نشست و هنگامی که می‌خواست خدا حافظی کند و بروی پانکتری راجلوی ما گذاشت، قطار حرکت کرد و بدرقه‌کنندگان رفتند. وقتی پانکتر را باز کردیم، مشاهده شد که مبلغ سیصد تومان و چه نقد در آن است. شگفت‌آور آنکه این مبلغ دقیقاً معادل همان سیصد تومانی بود که بنده از عیال قرض گرفته بودم و پنج قران زیادتر بود که کرایه راه‌آهن تا منزل بود.»



ارادت خالصانه

سخن درباره ابعاد شخصیتی مرحوم آیت‌الله میلانی (رضوان الله تعالی علیه) بسیار گسترده و دامنه‌دار است. ایشان در نجف اشرف دیده به جهان گشودند، سالیان متمادی را در همان دیار مقدس سپری نموده و مراحل تحصیل و تلمذ در محضر اساتید بزرگ را در همان سامان به انجام رساندند. عمده بهره‌مندی علمی و فکری ایشان از محضر مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) بود و شاید اندکی نیز از دریای دانش مرحوم آیت‌الله نائینی کسب فیض نمودند. نکته برجسته و حائز اهمیت در زندگانی پربرکت ایشان، ارادت خالصانه و عمیق آن بزرگوار به ساحت مقدس ائمه اطهار (علیهم السلام) است. ایشان از منظر ولایت‌مداری و تمسک به اهل بیت (علیهم السلام)، در سطحی بسیار والا و ممتاز قرار داشتند. گواه روشن این مدعا در میان آثار قلمی ایشان، مجموعه ارزشمند «قادتنا کیف نعرفهم» است که در چند مجلد نگاشته شده است. این که یک مرجع تقلید در آن جایگاه رفیع علمی و فقه‌ای، همت گمارد و چنین کتابی را تألیف نماید، خود نشانه‌ای آشکار از شدت و فوق‌العاده بودن مراتب ولایت و ارادت ایشان است. مرحوم آیت‌الله طباطبائی (رضوان الله علیه) که استاد ما بودند نیز نسبت به مرحوم آیت‌الله میلانی ارادت ویژه‌ای داشتند. به خاطر دارم زمانی که یکی از مراجع بزرگ رحلت فرمودند و بنا بر این شد که مراجع دیگری به عنوان جایگزین مطرح و انتخاب شوند، هر کس که نزد مرحوم علامه طباطبائی می‌رفت و کسب تکلیف می‌کرد، ایشان مرحوم آیت‌الله میلانی را معرفی می‌نمودند. علاوه بر این، سیره عملی مرحوم علامه طباطبائی نیز مؤید این اعتقاد بود؛ چنان که هر زمان به مشهد مقدس مشرف می‌شدند، مقید بودند که در نماز جماعت آیت‌الله میلانی شرکت کنند. نکته ظریف و درسی آموز این بود که ایشان نه در صف اول، بلکه معمولاً در صفوف دوم یا سوم می‌ایستادند تا مبادا [به واسطه حضور ایشان در صف اول و توجه مردم] اتفاقی پیش آید [و خللی در نظم یا حال معنوی جماعت ایجاد شود].

